

استعاره

زبان خودکار



چکیده

کاربرد و حوزه استعاره را معمولاً در زبان ادبی و هنری می‌دانند. در این نوشته برخلاف نظر رایج، از کاربرد استعاره در زبان متعارف و خودکار با ارائه نمونه‌هایی سخن گفته می‌شود و در پایان، درباره علل ظهور استعاره در این زبان دلایلی ذکر می‌گردد.

کلیدواژه‌ها:

زبان ادبی، زبان خودکار، زبان مجازی، استعاره.

زبان

زبان را می‌توان از یک جهت (و طبق سنت) به مجازی و حقیقی تقسیم کرد:

زبان مجازی^۱ (خاص زبان ادبی و شاعرانه)

زبان خودکار^۲ (زبان روزمره و متعارف^۳)

زبان ادبی: زبانی برجسته و غیرمتعارف و معمولاً هنجارگریز و غیر خودکار است. در این زبان از صنایع و آرایه‌های ادبی برای برجسته‌سازی سخن استفاده می‌شود تا از سخن بی‌نشان^۴ متمایز شود.

زبان خودکار: زبانی است که «صرفاً جنبه اطلاعی و ارتباطی دارد و در متون علمی به کار می‌رود.» (صفوی، ۱۳۸۰: ۳)

زبان خودکار کاربرد عادی و بی‌نشان زبان و فارغ از کاربردهای ادبی و شعری است.

طبق کتب معانی و بیان، مجاز کاربرد واژه‌های در غیر معنای اصلی‌اش معرفی می‌شود. در آن جا بین معنی حقیقی و معنی ثانوی واژه رابطه‌ای وجود دارد که علاقه نام دارد. کاربرد انواع مجاز با علاقه‌های گوناگون در زبان ادبی و هنری معمول و متداول است اما نکته مهمی که باید بدان توجه داشت، این است که انواع مجاز علاوه بر زبان ادبی و شاعرانه، در زبان خودکار و روزمره هم کاربرد زیادی دارد. به چند نمونه زیر توجه کنید:

— سینه‌ام می‌سوزد، آقای دکتر. (سینه، مجاز به علاقه کل به جزء)

— لطفاً آن کاست را روشن کن. (کاست، مجاز به علاقه جزء به کل) موارد کاربرد مجاز در زبان عادی و علمی و روزمره بسیار است و «چون در زبان خودکار بسامد وقوع زیادی دارد، به‌عنوان شگردی برای زیبایی آفرینی و آرایش‌دهنده کلام تلقی نمی‌شود.» (همان، ۱۳۸۰: ۴۲)

استعاره نیز نوعی مجاز است که در آن رابطه و علاقه بین معنی حقیقی و مجازی بر پایه شباهت است. «جرجانی بر این باور است که استعاره مجازی است که بر رابطه تشابه استوار می‌باشد.» (حق‌شناس، ۱۳۷۰: ۸۹)

در مطالعات سنتی و در نظریه‌های کلاسیک زبان، معمولاً استعاره موضوعی زبانی و بلاغی تلقی می‌شود که در قلمرو زبان ادبی و شاعرانه تجلی می‌کند و «کاربرد آن را به‌عنوان یک صنعت ادبی خاص قلمرو زبان ادبی و شاعرانه می‌دانند» (صفوی، ۱۳۸۰: ۴۴) «فی الواقع سایر انواع مجاز در زبان عادی نیز مرسوم و رایج است اما می‌توان گفت که مجاز بالاستعاره نوعاً مربوط به زبان ادبی است.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۴۱)

اگر نظر و فرض فوق را بپذیریم، نتایج و پیامدهای این پذیرش این خواهد شد که جایگاه استعاره فقط در زبان ادبی و هنری است و قلمرو بیان استعاری و زبان علمی و معمولاً کاملاً متفاوت و سلب‌کننده یکدیگر است. زبان استعاری صرفاً نقش زیبایی آفرینی و هنری دارد. این برداشت و تصور وقتی تقویت می‌شود که معمولاً در تعریف استعاره در کتب بلاغی اشاره می‌شود که استعاره شیوه بیان بدیع و شاعرانه است که...

اگر استعاره صرفاً ابزاری برای زیبایی آفرینی و بیان هنری تلقی شود و زبان علمی و نیز زبان خودکار و بی‌نشان مورد کاربرد روزمره مردم، زبان مستقیم و صریح و غیرمجازی، پس استعاره در زبان متعارف و حقیقی نباید رخ دهد و جایگاه «مجاز بالاستعاره»، همان‌طور که بیان شد، فقط در حوزه ادبیات و هنر خواهد بود اما با بررسی در متون علمی و زبان روزمره می‌توان نمونه‌های فراوانی از کاربرد زبان مجازی با رابطه شباهت. یعنی

حمید آخوندی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان‌های بندر ترکمن و مدرس مراکز آموزشی عالی بندر ترکمن



استعاره را می‌توان یافت:

- توی این سمساری چه می‌کنی؟ (شبهات جای شلوغ و درهم ریخته با سمساری)

- ساعت دوازده کیبوترم از مدرسه برمی‌گردد. (کیبوتر=فرزند کوچک) کلمات زیر نیز در سخنان یا نوشته‌ها و در زبان غیر ادبی به‌صورت استعاری فراوان به کار رفته‌اند یا امکان کاربرد آن‌ها وجود دارد:

- عروسک و ملکه (برای دختر و زن زیبا)

- طلای سفید/سیاه/زرد (استعاره از پنبه، نفت و زعفران)

- سایه سر (مرد سرپرست خانواده)

- حمام زنانه (جای شلوغ)

برخی از این کاربردها در زبان غیر ادبی جدید نیستند و ممکن است بارها شنیده شوند. در واقع، آن‌ها را می‌توان استعاره مرده نامید که بسامد وقوع بالایی هم دارند و بر سر معنی آن‌ها توافق و اشتراک نظر بیشتری وجود دارد.

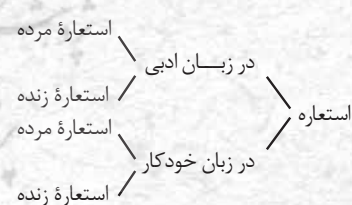
مانند: بلبل: خوش بیان. برخی نیز جدید و نو هستند:

«استعاره زنده استعاره‌ای است جدید یا نسبتاً جدید که هنوز کاربرد استعاری آن به مثابه یکی از اقسام کاربردها یا معانی به‌صورت فراگیر در واژگان ثبت نشده است.

(ملکمیار، به نقل از افراشی، ۱۳۸۳: ۳۱)

استعاره‌های زنده در زبان ادبی بازر و تعبیرپذیرترند و میزان بازیابی معنایی در آن‌ها سخت‌تر است و عدم قطعیت در آن‌ها وجود دارد. مثل دیکشنری (دانش‌آموزی که دانش گسترده‌ای از لغات زبان خارجی دارد)

نکات ذکر شده را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد و نشان داد:



ممکن است استعاره‌های مورد کاربرد در زبان خودکار، استعاره‌های عامیانه و پیش و پا افتاده تلقی شوند و استعاره‌های واقعی و اصیل را همان استعاره‌های ادبی و هنری بدانیم ولی با پذیرش تعریف استعاره به‌عنوان نوعی مجاز با رابطه شباهت، این‌گونه اظهارات، سلیقه‌ای خواهند بود و مبنای علمی نخواهند داشت.

در زبان ادبی کاربرد استعاره نقش بلاغی و زیبایی‌آفرینی دارد و ابزار مخیل کردن کلام است اما علت کاربرد آن در زبان خودکار چیست؟ در جواب باید گفت که در زبان خودکار استعاره نه فقط برای زیبایی‌آفرینی بلکه برای انتقال پیام و ایجاد ارتباط سریع‌تر و راحت‌تر به کار می‌رود. استعاره ما را قادر می‌سازد

تا مفاهیم انتزاعی یا فاقد ساختار را بهتر و ساختمان‌دتر درک کنیم. در این‌جا زبان استعاری کارکرد اطلاعی و ارتباطی دارد. آری، گاهی سخن غیرمستقیم و مجازی بهتر می‌تواند کارکرد ارتباطی را برعهده بگیرد. ما در آثار افلاطون و در مباحثات وی مقدار زیادی استعاره می‌بینیم. گاه واقعیت به سادگی تسلیم زبان معمولی نمی‌شود و زبان به‌ناچار به استعاره می‌گراید. زبان ریاضی را هم می‌توان به نوعی زبان استعاری دانست. شاید با بررسی‌های دقیق‌تر و جمع‌آوری شواهد و نمونه‌ها، پرهیز از کاربرد واژه‌های حرام^۵ (ممنوعه) و حسن‌تعبیر^۶ را نیز بتوان از علل دیگر کاربرد استعاره در زبان غیر ادبی برشمرد.

در مورد خاستگاه نیز دیدگاه رایج آن است که استعاره اساساً متعلق به زبان ادبی است و بر اثر کثرت استعمال و بسامد زیاد وارد حوزه زبان متعارف می‌شود اما در پذیرش کامل این نگرش باید محتاط بود؛ زیرا دیدگاه‌هایی هم وجود دارد که درست خلاف این نظر را مورد تأکید قرار می‌دهند. بیان و بررسی هر کدام از این فرضیات هم مجال و فرصتی مبسوط‌تر را می‌طلبد. بنابراین، می‌توان گفت:

۱. نقش زیبایی‌آفرینی انواع مجاز در زبان ادبی به‌عنوان یک آرایه به علت بسامد وقوع زیاد در زبان خودکار و متعارف، کم‌رنگ می‌شود یا به صفر می‌رسد.

۲. از میان انواع مجاز، «مجاز بالاستعاره» یا مجاز با رابطه شباهت هم در زبان ادبی و هم در زبان خودکار کاربرد دارد در زبان ادبی برای زیبایی‌آفرینی و در زبان متعارف به منظورهای مختلف از جمله ارتباط سهل‌تر.

۳. زبان خودکار همیشه زبان مستقیم نیست؛ یعنی، همیشه واژه‌ها در معنی حقیقی خود به کار نمی‌روند. زبان مجازی و غیرمستقیم هم خاص زبان ادبی و هنری نیستند.

۴. همیشه مرز مشخص و قاطعی بین استعاره‌های زنده و مرده نمی‌توان ترسیم کرد. گاه باید آن‌ها را به‌صورت پیوستاری بین دو قطب ببینیم که هرچه شناخته‌شده‌تر باشند و بر سر معنی آن‌ها توافق بیشتری حاصل گردد، به قطب استعاره‌های مرده نزدیک‌ترند.

پی‌نوشت

1. figurative language
2. automatic language
3. ordinary language
4. unmarked
5. taboo
6. euphemism

منابع

۱. اکو، اومبرتو و دیگران؛ استعاره، مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، گروه مترجمان، به کوشش فرهاد ساسانی، چاپ اول، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۳.
۲. حق‌شناس، علی محمد؛ مقالات ادبی و زبان‌شناسی، ج ۱، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۰.
۳. شمیسا، سیروس؛ بیان، چاپ اول، تهران، انتشارات مجید، ۱۳۷۰.
۴. صفوی، کوروش؛ گفتارهایی در زبان‌شناسی، ج ۱، تهران، هرمس، ۱۳۸۰.

در زبان خودکار
استعاره نه فقط
برای زیبایی‌آفرینی
بلکه برای انتقال
پیام و ایجاد ارتباط
سریع‌تر و راحت‌تر
به کار می‌رود.
استعاره ما را قادر
می‌سازد تا مفاهیم
انتزاعی یا فاقد
ساختار را بهتر و
ساختمندتر درک
کنیم